

عنوان:

از گور برگشته (تیمور، تنها نجات یافته گورهای

دسته جمعی انفال)

نویسنده:

عارف قربانی

سرجم:

مرتضی مرادی (نارما)

انتشارات ماهتاب غرب

۱۳۹۷

سرشناسه	: احمد، تیمور عبدالله، ۱۹۷۶ - مصاحبه‌شونده
عنوان قراردادی	: نه نفال و سه رگوزشته ی ته یمور. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: از گور برگشته : (تیمور، تنها نجات یافته گورهای دسته جمعی انفال) / [مصاحبه‌گر عارف قوربانی] : مترجم مرتضی مرادی.
مشخصات نشر	: کرمانشاه: ماهتاب غرب، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۱ ص؛ ۵/۱۴×۵/۱۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۳-۰۱-۶
هویت نخست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: تیمور، تنها نجات‌یافته گورهای دسته جمعی انفال.
موضوع	: احمد، تیمور عبدالله، ۱۹۷۶ - - خاطرات
موضوع	: نبرد انفال، عراق، ۱۹۸۶ - ۱۹۸۹ م.
موضوع	-Anfal Campaign, Iraq, 1986-1989
موضوع	: نه کشی - - کردستان (عراق)
موضوع	Genocide -- Kurdistan (Iraq: Province)
موضوع	: جنک ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ - فجایع - عراق
موضوع	-- Atrocities -- Iraq Iran-Iraq War, 1980-1988
موضوع	: کردستان (عراق) - تاریخ - - قرن ۲۰ م.
موضوع	th ۲۰ Kurdistan (Iraq: Province) -- History -- century
موضوع	: حلبچه (عراق) - تاریخ - مبارزات، ۱۹۸۸ م.
موضوع	Halabjah (Iraq) -- Bombardment, 1988
شناسه افزوده	: قربانی، عارف، ۱۹۷۰ - مصاحبه‌گر
شناسه افزوده	: مرادی، مرتضی، ۱۳۶۵ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۷۹۳۱ /DS۷۹ الف ۳ت ۱۴۰۹ ۷۹۳۱
رده بندی دیویی	: ۷۰۴۴۲/۹۵۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۶۴۶۲۲

Email: Mahtab.book@yahoo.com

☎ 09399262628 @NashreMahtab

تلفن : ۰۸۳- ۳۷۲۳۸۴۵۰



آدرس: دبیر اعظم پاساژ حافظ طبقه سوم

ناشر: ماہتاب غرب

عنوان: از سور بخت (تور، تنها نجات یافته گورهای دسته جمعی انفال)

مترجم: مرتضی مولایی (ا.ا)

ویراستار: پوریا الماسی

طراح جلد: عطیه مولایی

ناظر فنی چاپ: امیر عظیمی

چاپ اول : تابستان ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰

تعداد صفحه: ۱۴۱ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۳-۰۱-۶

ISBN: 978-622-6193-01-6

(کلیه حقوق برای انتشارات ماہتاب غرب محفوظ است)

آب طلب نکرده همیشه مراد نیست

گاهی بهانه‌ایست که قربانی‌ات کنند

«فاضل نظری»

مقدمه مترجم:

انفال، جمع دلمه نفل و به معنی غنایم و سوره هشتم قرآن کریم می‌باشد. عملیات انفال یا ژینوساید کردها، عملیات نسل‌کشی رژیم بعث علیه کوردهای این کشور است. حزب بعث برای توجیه جنگ خود علیه کوردها نام این عملیات را از سوره قرآنی انفال برگزید. این را برگری زرین از تاریخ خود می‌دانست. عملیات انفال حد فاصل بین ۲۶ فروردین تا ۶ تامبر سال ۱۹۸۸ میلادی (۱۳۶۸) انجام شد. علی حسن المجید ملقب به «علی انفال» و «علی شیمیایی»، بر اساس مصوبه رسمی شورای انقلاب عراق و از طرف پسرعموی صدام حسین مأموریت داشت با تخصیص بودجه و بهره‌گیری از تمام امکانات نظامی، اداری و اطلاعاتی حکومت این عملیات را اجرا کند.

آمارهای تایید شده حاکی از آن است که در طی عملیات هفت ماهه انفال و در استان‌های سلیمانیه، اربیل، کرکوک، دیاله، نینوا و صلاح‌الدین بیش از ۴۲۰۰ روستا نابود و بیش از ۱۸۲ هزار تن از مردم بی دفاع مورد توبه ارتش و نیروهای امنیتی عراق به قتل رسیدند. عملیات انفال از نظر وسعت، حجم کشتار و شدت وحشیگری از نظر بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در عراق یکی از فجیع‌ترین جنایات علیه بشریت به ثبت رسیده است. بیشتر قربانیان انفال از دو شهر «چمچمال و کلار» بودند و استفاده از سلاح‌های شیمیایی و بمباران شیمیایی حلبچه طی این عملیات صورت گرفت.

"Middle East Watch" در گزارش خود از انفال می‌نویسد: «پروسه انفال در کوتاه‌ترین زمان ممکن، بیشتر مناطق و خاک کوردستان را مورد هجوم و نابودی قرار داد، در این حملات بیش از ۲۰۰ هزار کورد کشته شدند و موجب ویرانی بیش از چهار هزار روستا و سه هزار و صد مسجد و صد کلیسا شد، در این عملیات بیش از دو میلیون راس دام نابود شدند و تأثیری مخرب و بزرگ بر طبیعت کوردستان گذاشت و حجم فراوانی از باغات و فضای سبز و رودخانه‌ها و پشم‌های کوردستان را نابود کرد». دکتر کندیال نزان، محقق تاریخ معاصر کوردستان در این باره می‌نویسد: «در این واقعه، بنیادهای زندگی در کوردستان زلزله شد، بعد از این هیستریای جنون‌آمیز، که با ژینوساید کوردها اتمام یافت، ۹۰ درصد روستاهای کوردستان و بیش از ۲۰ درصد شهرها و شهرکها از روی نقشه پاک شدند. مناطق روستایی به بیش از ۱۵ میلیون مین آلوده شدند، حدود ۱/۵ میلیون کورد از روستاها به اردوگاه‌های رژیم انتقال پیدا کردند، نزدیک ۱۰ درصد کوردهای کوردستان عراق از بین رفتند». همچنین یوست هیلترمن محقق حوزه انفال می‌گوید: «بعد از اینکه این مردم در روستاهای خود، دستگیر شدند، به سمت مراکز رژیم در کوردستان منتقل شدند، بعد از آن نیز با ماشین‌های زرهی سنگین رژیم به سمت غرب عراق از شمال تا جنوب بیابان‌ها انتقال یافتند، بیشتر مردان و حتی زنان و کودکان تیرباران شدند و با لودر و بلدوزر در گورهای دسته‌جمعی دفن شدند».

عملیات انفال در هشت مرحله به شرح زیر انجام شد:

مرحله اول (۲۳ فوریه تا ۱۹ مارس ۱۹۸۸): نخستین مرحله عملیات انفال با حمله به منطقه جافایتی آغاز و منجر به اشغال مناطق دوکان، شهرک ماوت، شهر سلیمانیه، چوارتا، سرگلو و بن‌گلو شد. بمباران شیمیایی حلبچه و کشتار ۵۰۰۰ انسان بیگناه در کمتر از یک روز از بارزترین جنایات رژیم بعث در این برهه زمانی بود.

مرحله دوم (۲۲ مارس تا ۱ آوریل ۱۹۸۸): گستره جغرافیایی مرحله دوم عملیات انفال مناطق قره‌داغ، بازیان و دربندیخان را در بر گرفت، بمباران شیمیایی روستاهای سیوسینان، تکیه، بلکجار و... جنایات این مقطع از انفال به شمار می‌روند. رژیم بعث پس از تصرف این منطقه، همه‌ی روستاهای آن را که نزدیک به ۸۰ روستا بود و ۲۲۴۱ خانوار با جمعیت ۱۲۲۵۴ نفر را در خود جای داده بود، ویران کرد. در این مرحله نزدیک به ۵۶۳۷ نفر قربانی شدند.

مرحله سوم (۷ آوریل تا ۲۰ آوریل ۱۹۸۸): این مرحله از انفال که به طور ویژه بر منطقه گربان، مرکز بود، فجع‌ترین و زیانبارترین مقطع عملیات انفال محسوب می‌شود که میان عملیات آن بخش‌هایی از سه استان کرکوک، دیاله و سلیمانیه از قبیل غرب شهر کرکوک، نوزخ‌ماتو و شهرهای کلار، کفری، پیباز و ناحیه قادر کرم و تپله‌کو را شامل می‌شد.

مرحله چهارم عملیات انفال (۳ تا ۸ می ۱۹۸۸): مرحله چهارم انفال نیز در مناطق زه کوچک، دشت کویه، آغجلر، تقته، منجیل صورت گرفت، که با بمباران شیمیایی شدید روستای گوب‌تپه و عسکرین از توابع آنجلر همراه بود.

مرحله پنجم، ششم و هفتم انفال (۱۵ می ۱۹۸۸ تا ۶ اگوست ۱۹۸۸): مراحل پنجم، ششم و هفتم انفال از دامنه کوه‌های شقلاوه و روانوز آغاز شد و مانند اکثر عملیات‌های رژیم بعث با بمباران شیمیایی همراه بود. به طوری که ۱۵ می ۱۹۸۸ آخرین روز ماه رمضان درست هنگامی که مردم خود را برای استقبال از عید فطر آماده کرده بودند، چندین هواپیما به بمباران روستاهای وره، قلی‌آباد، سماقلی و نازنین پرداختند و در این یورش ۳۶ تن از اهالی روستای وره شهید شدند که ۱۷ تن از آنها مرد و ۱۹ نفر زن بودند.

مرحله هشتم و پایانی عملیات انفال (۲۵ ژوئن تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸): در مرحله هشتم انفال مناطق دهوک، زاخو، باتوفه، کانی ماهی، زیوه، دیرلوک، اتروش،

زاویده و آمیدی مورد هجوم ارتش عراق قرار گرفتند. در واقع حوزه اصلی این مرحله از عملیات انفال منطقه بادینان از نواحی همجوار با کشور ترکیه بود. روستاهایی مانند شیروانه، ردینیا، سارتکی، ورمیلی و روستاهای کوهستان گاره قربانی شدیدترین حملات شیمیایی این دوره شدند.

بعد از اعلام پایان جنگ میان ایران و عراق در ۸ آگوست ۱۹۸۸ ارتش عراق نیروهای خود را از مرزها عقب کشید تا از آنها در عملیات انفال که در آن موقع هفتین مرحله آن به پایان رسیده و تنها مرحله هشتم آن باقی مانده بود، استفاده کنند.

انفال مسئله ای نیست که بتوان آن را پنهان کرد و بر آن سرپوش گذاشت. اگرچه دولت وقت ترکیه تلاش زیادی کرد تا از حضور روزنامه نگاران و رسانه ها در اردوگاه آوارگان انفال ترکیه جلوگیری کند اما با تلاش تعدادی روزنامه نگار خارجی بخش هایی از واقعه در رسانه های مختلف جهان انعکاس یافت، در جریان بمباران شیمیایی حلبچه نیز بخشی از مجروحان و شاهدان واقعه به ایران و سپس اروپا برده شدند و آنچه تبدیل به تیتر اصلی رسانه ها شد. در مقایسه با ابعاد فاجعه و تعداد قربانیان می توان گفت انفال در زمان خود، پروسه ای بی سر و صدا بود و رژیم بعث عراق آنرا عملیات موفق در رسانه های خود عنوان کرده و از میان قربانیان جوانان را جدا کرده و آنها را مخالفان خود معرفی می کرد و هیچ اشاره ای به کشته شدن زنان و کودکان بی دفاع نمی کرد.

انفال پس از گذشت سه دهه همچنان زنده است و قربانی می درد. بر اساس مطالعات آکادمیک و تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده بارها بسیاری از بیماری های وراثتی در نتیجه انفال گزارش شده اند. بنیان های کشاورزی برخی مناطق تخریب و زمین های زیادی مشکوک به آلودگی هستند. مناطق مین گذاری

شده نیز بخش دیگری از این جنایت به حساب می‌آیند که علاوه بر زیانهای مالی و جانی آثار روانی و اجتماعی آن را نیز می‌توان مشاهده کرد.

شرح و بررسی کامل انفال در این مقال نمی‌گنجد و روشن کردن و مستندسازی زوایای آشکار و پنهان یکی از بزرگترین جنایات علیه بشریت شاید به دهها و صدها کتاب نیاز داشته باشد، برای ایجاد پیش‌زمینه و درک بیشتر خواننده پیش از مطالعه کتاب به مضمین مقدمه کوتاه از انفال بسنده می‌کنیم.

آنچه می‌خوانید ترجمه‌ای است از کتاب «ته‌نفال و سه‌گروه‌شده‌ی تهمور» که در سال ۲۰۱۳ توسط «عارف قربانی» نویسنده و روزنامه‌نگار کورد چاپ و منتشر شده است. این کتاب پیش از به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و عربی ترجمه شده و همین خود بر ارزش و اعتبار اثر بی‌افزاید. سپاس‌گذار دوستان عزیزم آقایان «فرشاد قادری»، «محمدعارف نبی‌زاده»، «آبان ثروه عبدالقادر» و خانم «مهتاب مام‌حسن» هستیم که در ترجمه و چاپ این اثر ما را یاری نمودند.